

## تأثیر اخلاق و معنویت در کار و رشد اقتصادی از نظر قرآن و روایات

منصوره شفیعی<sup>۱</sup>

### چکیده

تأثیر اخلاق بر کسب و کار از مقوله های مهمی است که شناخت نقش آن در رشد اقتصادی جوامع مختلف، نظر اندیشمندان ادیان جهانی به ویژه اسلام را بیش از پیش جلب کرده است. به منظور رسیدن به رشد، لزوم توجه به فساد، خشونت و فقر ملت ها که از نبود اخلاق محیط کسب و کار سرچشمه می گیرد احساس می شود. رفع بنیادی فساد، خشونت و فقر ملت ها در راستای انگیزه های عملی رشد اقتصادی، جز با پیوند روزافزون اخلاق کسب و کار میسر نخواهد شد. پژوهش حاضر پس از بیان مفاهیم و کلیات، ابتدا جایگاه کار و تلاش اقتصادی در اسلام را معرفی می کند، سپس به ارزش اخلاق و معنویت در محیط کار می پردازد که اگر با یک برنامه ی حساب شده، اخلاق و روح معنویت و ایمان به خدای تبارک و تعالی در دل کارکنان بارور شود مسلماً نه تنها درون آن محیط ها بلکه در کل جامعه خیانت کارشکنی و یا فرار از مسولیت و مانند آن تقلیل خواهد یافت. در ادامه به بیان سازوکاری که خداوند از طریق وحی و روایات برای اداره زندگی انسان نشان داده است سعی گردید تا برخی از این تأثیرات غیرمستقیم بر رشد اقتصادی که به طور مستقل و همچنین از طریق تأثیر مستقیم موجب رشد اقتصادی می گردند، مطرح شوند از جمله این موارد می توان به ایمان و تقوا، شکرگزاری، استغفار و توبه، اقامه احکام و ... اشاره کرد.

کلیدواژه: قرآن، روایات، کار، معنویت، اخلاق، اخلاق کار، اخلاق.

### مقدمه

رشد و پیشرفت اقتصادی در کنار سالم سازی فعالیت ها و مقابله با مفسدات از یک سو، ایجاد و گسترش عدالت اجتماعی، و برخورداری همه مردم از رفاه نسبی از سوی دیگر، از مهم ترین دغدغه های عصر حاضر در بیشتر جوامع است. امروزه بسیاری از جوامع اسلامی، کم و بیش، با مشکلاتی ناشی از فقر، عقب ماندگی و توزیع نابرابر امکانات، رویارویند. در حالی که مهمترین عناصر رشد و توسعه اقتصادی و مؤثرترین شیوه های سالم سازی فعالیت ها و گسترش عدالت اجتماعی، اقتصادی در آموزه های اسلامی، به روشنی و فراوانی مطرح شده است، به طوری که با توجه کردن به آن در برنامه ریزی اقتصادی و نهادینه کردن آن در فرهنگ عمومی، به درستی می توان تمدن شکوهمند اسلامی را احیا کند و رفاه و آسایش همگانی را ارزانی دارد.

از راهکارهای کارآمد اسلام در این باره، «پیوند ارزش های اخلاقی با اقتصاد» است به دیگر سخن، آرمان آموزه های اسلامی آن است که سعادت و خوشبختی «دنیوی و آخروی» انسان را فراهم سازد. از این رو، جامعه ی اسلامی از یک سو به

<sup>۱</sup> دانش پژوه سطح چهارم مجتمع آموزش علوم اسلامی کوثر- رشته تفسیر تطبیقی (Shafie135@gmail.com)

اقتصادی پویا و رشد یافته، نیازمند است تا نیازهای افراد را فراهم سازد، از سوی دیگر، نیازمند تحکیم و تقویت اعتقادی و اخلاقی در فرهنگ عمومی است تا با سالم سازی فعالیت‌ها و مقابله‌ی فرهنگی با مفاسد اقتصادی، سعادت‌آخروی افراد را به ارمغان آورد به ویژه آن که رشد مطلوب اقتصادی و تحکیم ارزش‌های دینی، تأثیری متقابل بر یکدیگر دارد.

بر این اساس، آموزه‌ها و عناصر فراوانی در قرآن کریم و روایات، ارائه گردیده که هم دارای کارکردهای مثبت اقتصادی است و هم اثرات روحی و معنوی، تا در پرتو پیوند خجسته‌ی «اخلاق و اقتصاد» رفاه مادی و سعادت ابدی انسان، تأمین گردد.

موضوع این نوشتار، ارائه و تحلیل آموزه‌های اخلاقی اسلام در عرصه‌ی کار و تبیین کارکردهای اقتصادی آن و شیوه‌های نهادینه ساختنش در فرهنگ عمومی است.

## مفاهیم

### ۱-۲ مفهوم اخلاق

اخلاق جمع «خُلُق» (بر وزن قفل) و «خُلُق» بر وزن افق می‌باشد که در لغت به معنای سنجیه و طبیعت و سرشت به کار رفته است. خُلُق بیانگر صورت باطنی انسان است و نشان دهنده‌ی زیبایی و زشتی درونی است (فراهیدی، ۱۳۸۳: ۱۵۲). خُلُق به معنی شکل و صورتی است که انسان با چشم می‌بیند و خُلُق به معنی قوا و سجایا و صفات درونی است که با چشم دل دیده می‌شود. بنابراین، میتوان گفت اخلاق مجموعه صفات روحی و باطنی انسان است.

این واژه در اصطلاح عالمان اخلاق، کیفیت ثابت نفسانی است که باعث میشود رفتارها، به راحتی و بدون نیاز به فکر و تأمل، انجام پذیرد. بنابراین انجام یا ترک کاری را، در صورتی که برخاسته از صفت پایدار نفسانی نباشد، «خُلُق» نمی‌نامند. نراقی، (۱۳۱۲: ۱۰) اخلاق و به تبع آن، رفتارها به نیک و بد تقسیم می‌شود و ملاک خوب بودن فعل اخلاقی این است که رابطه‌ی مثبتی با هدف مطلوب و نهایی داشته باشد و به انگیزه‌ی منافع مادی و فردی نباشد.

مرحوم نراقی در جامع السعادات می‌گوید: «علم اخلاق دانش صفات (ملکات) مهلکه و منجیه و چگونگی موصوف شدن و متخلق گردیدن به صفات نجات بخش و رهایی از صفات هلاک کننده است. شهید مطهری نیز می‌نویسد: «اخلاق عبارت است از علم زیستن، یا علم چگونه باید زیست...». در حقیقت، چگونه زیستن دو شعبه دارد: شعبه چگونه رفتار کردن و شعبه چگونه بودن. چگونه رفتار کردن، مربوط می‌شود به اعمال انسان (که البته شامل گفتار هم میشود) که چگونه باید باشد و چگونه بودن، مربوط می‌شود به خوی‌ها و ملکات انسان که چگونه و به چه کیفیت باشد. (مطهری، ۱۳۹۲: ص ۳۴)

همچنین محقق طوسی در تعریف علم اخلاق بیان می‌دارد: آن علمی است که بدان که نفس انسانی چگونه خلقی اکتساب توان کرد که جملگی افعالی که به اراده و از او صادر می‌شود، جمیل و محمود بود. (طوسی، ۱۳۷۴: ۳۲) می‌توان گفت علم اخلاق دانشی است که از صفات و افعال اختیاری انسان و ملکات نیک و بد که در رسیدن انسان به کمال انسانی

اش نقش دارد و نیز روش به دست آوردن صفات نیک و دفع و رفع صفات بد، هر دو بحث می کند. در مجموع می توان گفت اخلاق اسلامی سه بخش اصلی دارد:

رابطه با خدا: کارهایی که آدمی باید در برابر خدا بکند، مانند نماز و روزه و دعا.

رابطه با مردم: برخورد فرد و رفتارهایش با مردم و دیگر اعضای جامعه، مانند رفتار نقش های خانواده و دوستی. عموماً منظور از اخلاق اسلامی بیشتر این بخش است.

رابطه با خود: چارچوب برخورد انسان با خودش، مانند حسد و چگونگی غذا خوردن.

اخلاق در اصطلاح جامعه شناسی نیز، مجموعه ی ارزشها و هنجارهایی است که در یک جامعه، معتبر شناخته می شود و سرپیچی از آن، مواجهه با اجبار و الزام اجتماعی را در پی دارد. این هنجارها، در عین اینکه منشأ بیرونی دارد، از آنجا که به صورت بخشی از وجود افراد درمی آید، ماهیتی عینی-ذهنی یا درونی-بیرونی می یابد.

## ۲-۲ اخلاق کار

اخلاق کار شاخه ای از اخلاق کاربردی است که به مباحث اخلاقی در حرفه و کار می پردازد. صاحبان حرفه و کار از دانش اخلاق دو توقع دارند. بیان نظام مند مسئولیت های اخلاقی در کار و تشخیص دقیق و حل اثربخش مسائل اخلاقی حرفه و کار. اخلاقیات به عنوان مجموعه های از اصول، اغلب به منشوری برای راهنمایی و هدایت تعریف می شود. این مجموعه اصول، چارچوبی برای اقدام ارائه می کند. (قراملکی، ۱۳۸۸: ۱۳۷). بنابراین اخلاق کار بخشی از فرهنگ جامعه به شمار می رود که عقاید و ارزش های مربوط به کار را در برمی گیرد و از قواعد کلی حاکم بر فرهنگ جامعه پیروی می کند. در تعریف آن گفته شده است: «قواعد و زمینه های برانگیزاننده و فعال شده تعهد ذهنی، روانی و فیزیکی فرد یا گروه می باشد که به نحو کلی به انرژی متعهد فرد یا گروه جهت میدهد و قابل انتقال و آموزش و یادگیری در نظام اجتماعی و فرهنگی جامعه است». (معیدفر: ص ۵)

## ۲-۳ مفهوم کار

### ۲-۳-۱ معنای لغوی و اصطلاحی

کار در لغت فارسی در معانی مختلف استعمال شده است: ۱- به معنی شغل، عمل، پیشه، ۲- رفتار و کردار، ۳- آنچه در عالم خارج تحقق مییابد، ۴- ممارست، اشتغال، تمرین، ۵- وسیله معیشت. تمام این معنی و مفاهیم در معنای کار استعمال شده است و این امر نشان دهنده گستردگی و غنای بالای این کلمه در فرهنگ فارسی می باشد. (معین ج ۳: ۲۷۸۹) فرهنگ نویسان فارسی «کار» را چنین تعریف کرده اند: «آنچه از شخص یا چیزی صادر گردد و آنچه شخص، خود را بدان مشغول سازد». (دهخدا، لغتنامه، زیرواژه) در فرهنگ های فارسی، «کار» با «پیشه، شغل و عمل» مترادف دانسته شده است. (عمید، زیر واژه)

در حوزه ی اقتصاد نیز برای «کار» تعاریف گوناگونی ارائه شده که از میان آن تعریف زیر از جامعیت بیشتری برخوردار است و می توان آن را به عنوان مفهوم کار در اصطلاح علم اقتصاد معرفی نمود: «کار مجموعه اعمالی است که انسان به کمک مغز، دست، ابزارها و ماشین ها در راه تولید ثروت یا ایجاد خدمات، انجام میدهد و این اعمال نیز متقابلاً بر انسان تأثیر می گذارد و او را تغییر می دهد». (توسلی: ۱۰)

کار در اصطلاح قرآن عبادت است. مفسران اسلامی به طور متفق القول کار را همچون عبادت تلقی میکنند از نگاه ایشان کارگران همچون مجاهدینی هستند که برای انتشار پیغام خدا بر روی زمین مبارزه میکنند. قرآن بر اهمیت کار، تلاش فردی تأکید میکند یا فرمان میدهد که فرد با ایمان باید پرهیزکارانه کار کند، پرهیزکارانه سود ببرد و آنچه بیشترین اهمیت را دارد عمل پرهیزکارانه است. (رجایی، ۱۳۸۲: ۶۱-۱۵۶)

وقتی کار و کوشش ارزش پیدا می کند که توأم با ایمان باشد. از آیات مختلف قرآن چنین میتوان نتیجه گرفت که کارگر به معنای عام به کسانی اطلاق می شود که با ایمان و اعتقاد از فکر و اعضاء و جوارح خود برای انجام هر کاری کمک میگیرند. به همین سبب وقتی انسان مومن منشأ اثر و فاعل کار میشود ضروری است که با قصد قربت در جهت رضایت حضرت حق تعالی گام بردارد. و در چنین شرایطی است که کار به عنوان عبادت تلقی میشود. اسلام کار را جان مایه حیات آدمی دانسته و آن را سرمایه سعادت دنیا و آخرت بشر میشمرد. حیات هر جامعه مرهون کار و کوشش و تلاش است و بقاء خانواده را نیز منوط به آن می داند.

در فرهنگ قرآن، واژه ای که برای کار اقتصادی استفاده شده «استأجر» است. (سوره قصص، آیه ۲۶) و عبارت های «ضربُ فی الأرض» (سوره مزمل، آیه ۲۰)، «إِتِّغَاءُ فَضْلِ اللَّهِ» (سوره اسراء، آیه ۱۲) و «إِعْدَادُ قُوَّةٍ» (سوره انفال، آیه ۶۰). به معنای امر به مطلق تصرف و واژه های عمل، فعل، سعی، کسب گرچه به معنای کار و تلاش است ولی مرادف با فعالیت اقتصادی نیست و مفهوم عامی دارد. (رجایی: ۱۰۰)

با توجه به مطالب بالا کار اقتصادی از نگاه دینی را این گونه می توان تعریف کرد: هرگونه فعالیتی که برای تولید کالا و خدمات مورد نیاز یا بالا بردن سطح اقتدار جامعه و رفاه عمومی در چارچوب قوانین و ارزشهای دینی انجام می پذیرد.

#### ۴-۲ مفهوم و تعریف معنویت

واژه معنویت و مشتقات آن گرچه در منابع اصیل اسلامی (قران کریم، سنت پیامبر و ائمه صلوات الله علیهم اجمعین) به کار نرفته است ولی در ادبیات مسلمانان، هم در زبان عربی و هم در زبان فارسی رواج یافته است به نظر می رسد این واژه ابتدا در زبان های اروپایی و در بستر مفهومی مسیحی به کار رفته باشد. ریشه ی لغوی معنویت معنا است که به موقعیتی اشاره دارد که دست کم شامل دو لایه باشد: یکی ظاهر که حکایت گر است و دیگری باطن که محکمی است. اسلام چشم اندازی جامع و چند بعدی از هستی ارایه می کند. رابطه ی ظاهر جهان با باطن آن رابطه ای معنایی است که در باطن آن مخفی شده است. (مصباح، ۱۳۸۹)

علامه طباطبایی اساس سیر باطنی و حیات معنوی را پذیرش اصالت عالم معنی می داند عالمی که شامل کمالات باطنی و مقامات معنوی به عنوان واقعیت های حقیقی بیرون از واقعیت طبیعت و جهان مادی است. ( طباطبایی: ۵۱)

شهید مطهری رابطه‌ی این جهان و زندگی انسان بامعنایشان را به رابطه‌ی پوسته و مغز تشبیه می کند: اسلام معنی را در ماده، باطن را در ظاهر، آخرت را در دنیا و بالاخره مغز را در پوست و هسته را در پوسته نگهداری می کند. (مطهری: ۳۴)

رای برخورداری از معنویت و زندگی معنادار، اولین شرط آن است که فرد همه‌ی اعمالش در زندگی را در راستای هدفی واحد که مطلوبیت ذاتی دارد تنظیم کند. در اسلام خداوند متعال به مثابه منبع و سرچشمه وجود و همه‌ی کمالات معرفی شده است، و نزدیک شدن به او هدف اصلی آفرینش انسان شمرده شده است. به همین دلیل هدف غایی از فعالیت و سلوک انسانی بالاترین نقطه ممکن در مراتب قرب اوست بنابراین شناختن خدا اولین گام در مسیر چنین زندگی معنادار و نخستین حرکت در جهت حیات معنوی است.

### ۳- ارزش کار در اسلام

#### ۳-۱ ارزش ذاتی کار در اسلام

کار و تلاش رمز بقای یک جامعه است. در سیره پیشوایان معصوم علیه‌السلام فعالیت‌های اقتصادی افراد ارزش بالایی دارد. آن بزرگواران کارگران و تولیدکنندگان را بسیار تشویق می کردند. سیره عملی پیامبر اکرم (ص) و ائمه معصوم (ع) این بوده است که بار زندگی خود را شخصاً به دوش می کشیدند و هیچ گاه برای تأمین ضروریات زندگی، خود را وابسته به دیگران نمی کردند. با توجه به نکته‌ی سومی که در مقدمه ذکر شد، این امر بیانگر نوع نگرش آن برگزیدگان به دنیا و رابطه دنیا با آخرت است و بر اندیشه‌های انحرافی زهدمآبانه که کار و تولید را با کمالات معنوی و مصالح اخروی در تضاد می - دانستند و با افکار باطل ارباب‌مآبانه که کار را وظیفه افراد پست و پایین جامعه قلمداد می نمودند، خط بطلان می کشد.

انس بن مالک می گوید: هنگامی که رسول خدا (ص) از جنگ تبوک برمی گشت، سعد انصاری -یکی از کارگران مدینه- به استقبال آن حضرت آمد. وقتی پیامبر (ص) با او دست داد احساس کرد که دستان وی خشن و زبر است، نبی اکرم (ص) سؤال کرد چرا دستان تو این قدر خشن و زبر است؟ عرضه داشت: یا رسول الله! این خشونت و زبری دستان من به خاطر کار کردن با بیل و طناب است تا مخارج خانواده‌ام را تأمین کنم. پیامبر (ص) دستان او را بوسید و فرمود: این دستی است که آتش جهنم آن را لمس نخواهد کرد. (ابن اثیر: ۲/ ۲۹۶)

از منظر اسلام فعالیت‌ها و کار و تلاش اقتصادی زمینه‌ساز کمالات و فضائل انسانی است و اگر فردی با این انگیزه به عرصه اقتصاد و کار وارد شود، افزون بر منافع مادی و ظاهری به بهره‌های معنوی نیز نایل خواهد شد.

تجربه ملت‌ها و جوامع در طول تاریخ مؤید آن است که ملت‌های برخوردار از روحیه کار و تلاش و فعالیت تحت هیچ شرایطی زیر سلطه بیگانگان قرار نگرفته و فراز و فرودهای تاریخ نتوانسته صدمات جدی به آنان وارد نماید.

خداوند تبارک و تعالی تلاش و کوشش در دنیا را نه تنها دوست می‌دارد بلکه آن را نوعی عبادت می‌داند. در قرآن کریم می‌فرماید: «وَأَنَّ لَيْسَ لِلإِنسَانِ إِلاَّ مَا سَعَى» (سوره نجم، آیه ۳۹) «و اینکه برای آدمی جز آنچه به سعی و عمل خود انجام داده (ثواب و جزایی) نخواهد بود.»

نکته‌ی قابل توجه این که مفسرین در معنای «سعی» می‌گویند: سعی در اصل به معنی راه رفتن سریع است که به مرحله دویدن نرسیده، ولی غالباً به معنی تلاش و کوشش به کار می‌رود. چراکه به هنگام تلاش و کوشش در کارها انسان حرکات سریعی انجام می‌دهد، خواه کار خیر باشد یا شر باشد. جالب اینکه نمی‌گوید: بهره‌انسان کاری است که انجام داده، بلکه می‌گوید تلاشی است که از او حاصل شده است. اشاره به اینکه مهم تلاش و کوشش است، هر چند انسان احیاناً به مقصد و مقصودش نرسد که اگر نیتش خیر باشد خدا پاداش خیر به او می‌دهد، چراکه او خریدار نیت‌ها و اراده‌هاست، نه فقط کارهای انجام شده. (مکارم شیرازی، ۱۳۸۰، جلد ۲۲، ص ۵۵)

به خاطر همین در روایات متعدد از نیت خیر تحسین و تمجید نموده و آن را دارای اجر و مزد بسیار دانسته است. چنان‌که خدای تبارک و تعالی در جای دیگر می‌فرماید: «وَأَنَّ سَعْيَهُ سَوْفَ يُرَى». (سوره نجم آیه ۴۰) «و آیا خبر ندارد که سعی و کوشش او به زودی دیده می‌شود». مرحوم علامه طباطبایی در مورد معنای سعی بیان لطیفی دارد که می‌فرماید: منظور از «سعی» آن عملی است که در انجامش جد و جهد و تلاش بسیار زیادی نمود، یعنی هر کاری که در آن جد و جهد زیاد می‌شود و دارای تلاش و کوشش بسیار باشد، دارای ارزش است. به همین علت است که امام باقر (ع) در روایتی می‌فرماید: «مَنْ طَلَبَ الدُّنْيَا اسْتِعْفَافاً عَنِ النَّاسِ، وَ سَعِيّاً عَلَى أَهْلِهِ، وَ تَعَطُّفاً عَلَى جَارِهِ، لَقَى اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَ وَجْهَهُ مِثْلُ الْقَمَرِ لَيْلَةَ الْبَدْرِ» «کسی که در راه کسب مال حلال تلاش کند و نیت او این باشد که افزون بر آن که خود و خانواده‌اش را از دیگران بی‌نیاز کند، به همسایگان خود کمک کند، روز قیامت در حالتی خدا را ملاقات می‌کند که صورتش همانند ماه شب چهاردهم می‌درخشد.»

نقل شده است که روزی جوانی از حضور پیغمبر (ص) می‌گذشت، عده‌ای در محضر آن حضرت بودند دیدند که این جوان نیروی قابل توجه‌ای دارد، عرض کردند: «وَيْحَ هَذَا لَوْ كَانَ شَبَابَهُ وَ جَلَدَهُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ» یعنی ای کاش که در راه خدا قدم برمی‌داشت آن حضرت فرمود: اگر این شخص حرکت کرده است تا عایله‌اش را از راه صحیح و حلال تأمین کند. یا می‌کوشد تا پدر و مادر پیر خود را از راه صحیح، حفظ و اداره کند یا تلاش می‌کند تا سربار جامعه نباشد و خود را از نیازمندی به این و آن برهاند. این راه، راه خداست ولی اگر می‌کوشد تا بر ثروت خود بیفزاید، این راه، راه شیطان است. (طوسی: ۱۴۰۷)

امیرالمؤمنین (ع) در مذمت بیکاری می‌فرماید: «إِنَّ الأَشْيَاءَ كَمَا اذْدَوَجَتْ اذْدَوَجَ الكَسَلِ وَ العَجْزِ فَتَنَجَا بَيْنَهُمَا الفَقْرُ» (حر عاملی، ۱۴۱۴، جلد ۱۲: ۳). «هنگامی که موجودات در آغاز با هم ازدواج کردند، تنبلی و ناتوانی با هم پیمان زوجیت بستند و فرزندی از آنها به نام فقر متولد شد». در حدیثی امام صادق (ع) می‌فرماید: «لا تَكْسِلُوا فِي طَلَبِ مَعَايشِكُمْ فَإِنَّ آبَاءَنَا كَانُوا

یرکضون فیها و یطلبونها». (همان) «در طلب روزی و نیازهای زندگی تبدیلی نکنید چرا که پدران و نیاکان ما به دنبال آن می-دویدند و آن را طلب می کردند.»

ارزش ذاتی کار و تلاش اقتصادی در اسلام سبب شده تا این مسئله در ابعاد مختلف نیز دارای ارزش و اعتبار ویژه قلمداد شود؛ بنابراین بر اساس آن چه در آیات و روایات بدان اشاره شده می توان ارزش هایی چون ارزش عبادی، جهادی، معیشتی، تربیتی و ... را نیز برای کار و تلاش اقتصادی از منظر اسلام مطرح نمود.

## ۲-۳ ارزش معیشتی - عبادی کار

آنچه از مبانی و معارف تعالی بخش اسلامی در این مورد استنباط می گردد این است که دین مقدس اسلام کار مفید و سازنده را در چهارچوب معیارهای ارزشی و اعتقادی خود عبادت تلقی نموده و رشد و تعالی انسان را تنها در سایه کار و کوشش می داند. وقتی کار و تلاش ارزش پیدا می کند که توأم با ایمان باشد. از آیات مختلف قرآن چنین می توان فهمید که کارگر به معنای عام به کسی اطلاق می شود که با ایمان و اعتقاد از فکر و اعضاء و جوارح خود برای انجام هر کاری کمک می گیرد. به همین سبب وقتی انسان مؤمن متشاء اثر و فاعل کار می شود ضروری است با قصد قربت و در جهت رضایت حق تعالی گام بردارد و در چنین شرایطی است که کار به عنوان عبادت تلقی می شود. در فرهنگ دینی ما به موضوع کار و ارزش آن، عنایات خاصی شده، اسلام کار را جانمایه حیات آدمی، دانسته و آن را سرمایه سعادت دنیا و آخرت بشر می شمرد. کار موجب عزت و شرف انسان ها است و یقیناً حیات هر جامعه مرهون کار، کوشش و تلاش است. اسلام سعادت و سلامت جامعه و رشد و ترقی آن را مرهون کار دانسته و بقاء و دوام خانواده را نیز منوط به آن می داند و انسان ها را در هر موقعیتی باشند توصیه به کار و تلاش نموده و ارزش آن را مترادف با عبادت قلمداد می کند.

در قرآن کریم آیات فراوانی که انسان را تشویق و توصیه بر طلب روزی و رزق حلال می نماید. در سوره مبارکه جمعه می فرماید: «فَإِذَا قُضِيَتِ الصَّلَاةُ فَانْتَشِرُوا فِي الْأَرْضِ وَابْتَغُوا مِنْ فَضْلِ اللَّهِ وَاذْكُرُوا اللَّهَ كَثِيرًا لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ» «پس آنگاه که نماز پایان یافت و آن را بجا آوردید، باز در پی کسب و کار خود روی زمین منتشر شوید و از فضل و کرم خدا روزی طلبید و یاد خدا بسیار کنید تا رستگار و سعادت مند گردید» از این آیه نهایتاً نتیجه گیری می شود که برای کسب روزی بعد از اقامه نماز لازم نیست انسان تا نماز بعدی سر سجاده بنشیند و به دنبال معاش خود نرود (حر عاملی، ۱۴۱۲).

اسلام کار و طلب روزی حلال را بالاترین عبادت معرفی نموده است. پیامبر اکرم (ص) می فرماید: «الْعِبَادَةُ سَبْعُونَ جُزْءًا أَفْضَلُهَا جُزْءٌ طَلَبُ الْحَلَالِ» (کلینی، ۵، ۷۸). «عبادت هفتاد جزء دارد که برترین آنها کار و کوشش برای بدست آوردن روزی حلال است.» با آنکه جهاد و فداکاری در اسلام ارزش ویژه ای دارد ولی کار مثل آن و بلکه برتر از آن معرفی شده است. خطاب خداوند به حضرت داوود (ع) در مورد ارزش کار که در تاریخ آمده است: خداوند متعال به حضرت داوود (ع) وحی فرمودند: «انک عبد صالح لولا انک تاکل من بیت المال» تو بنده بسیار خوبی هستی اگر از بیت المال ارتزاق نمی کردی (کنایه از اینکه روزی از بیت المال تنها عیب و نقص توست) بعد از این وحی حضرت داوود (ع) به گریه افتاد، عرض کرد: پروردگارا چه کنم که این نقص مرتفع شود خداوند متعال زره سازی را به او تعلیم داد و پس از آن حضرت داوود (ع)

با ساخت زره و با بهره‌گیری از دسترنج خود ارتزاق می‌نمود که علاوه بر کار و تلاش آن حضرت توانست منشاء فواید اجتماعی نیز گردد. او موفق شد با ساخت زره، ارتش را مقابل دشمنان مجهز و مسلح نماید. (نوری، ۲: ۴۱۷).

در واقع از احادیث و روایات متعددی می‌توان استفاده کرد که کارگری سیره انبیاء و ائمه (ع) بوده است. رسول خدا (ص) فرمودند: «مَنْ أَكَلَ الْحَلَالَ أَرْبَعِينَ يَوْمًا نُورٌ اللَّهُ قَلْبِهِ» و (قال) إِنَّ اللَّهَ مُلْكًا عَلَى بَيْتِ الْمَقْدِسِ يُنَادِي كُلُّ لَيْلَةٍ: مَنْ أَكَلَ حَرَامًا لَمْ يَقْبَلْ مِنْهُ صَرْفًا وَلَا عَدْلًا، وَالصَّرْفُ النَّافِلَةُ، وَالْعَدْلُ الْفَرِيضَةُ»

«هر که چهل روز از غذای حلال بخورد خداوند قلب او را منور گرداند. سپس فرمود: خداوند فرشته‌ای دارد که بر بیت - المقدس هر شب ندا دهد که هر کس غذای حرام بخورد، خداوند از او هیچ‌گونه اعمال واجب و مستحب را قبول نمی‌کند.» امام صادق (ع) فرمودند: «مَنْ سُرَّهٗ أَنْ تَسْتَجَابَ دَعْوَةُ فَلَاطِبُ مَكْسَبِهِ» (عاملی، ج ۴، ۵۲) «هر که بخواد دعایش مورد اجابت قرار گیرد، کسب خود را باید پاک و طاهر گرداند»

### ۳-۳ ارزش تربیتی کار

مرحوم استاد شهید مطهری در کتاب تعلیم و تربیت و اسلام، یکی از بهترین راه‌های تربیت افراد را کار می‌داند و حدیث شریفی از نبی اکرم (ص) نقل می‌کند که: «إِنَّ النَّفْسَ لَمْ تَسْغَلْهُ شُغْلُكَ» یعنی اگر تو خودت را متوجه کاری نکنی، نفس تو را مشغول به خودش می‌کند (مجلسی: ۳۶۷/۹۰).

قرآن به شدت انسان را از حرف زدن‌های بی عمل منع و همواره تأکید می‌کند که فضل خدا نصیب کسانی خواهد شد که اهل جهد و کوشش و تلاش باشند. همان طور که پیشتر گذشت، در آیاتی از قرآن آمده است: «وَأَنْ لَيْسَ لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَى وَأَنَّ سَعْيَهُ سَوْفَ يُرَى ثُمَّ يُجْزَاهُ الْجَزَاءَ الْأَوْفَى» (۳۹ تا ۴۱ سوره نجم) «و اینکه برای انسان بهره‌ای جز سعی و کوشش او نیست و سعی او به زودی دیده می‌شود و سپس به او جزای کافی داده خواهد شد». بنابراین به نظر می‌رسد ارزش و اهمیت واقعی که اسلام چهارده قرن پیش، با عناوین مختلف و بیانات گوناگون برای کار بیان کرده هنوز بشر به آن پی نبرده است.

### ۴-۴ اثرات معنویت در محیط کار

#### ۴-۱ معنویت و سلامت

از اولین شروط عمل و کار موفق اشخاص سلامت جسمی و روحی آنهاست به طوری که از بیماری خاص روانی یا جسمی رنج نبرند و تمرکز حواس و همتشان بر انجام وظایف خود بوده عملکردی موفق و عالی از نظر تفکر، خلق و خو و رفتار داشته باشند اثر معنویت در سلامت جسم و جان وقتی خوب فهمیده می‌شود که بدانیم انسان باایمان، روحی مطمئن و اعصابی آرام تر و قلبی سالم تر دارد دائماً در فکر تجاوز به حقوق دیگران نیست، اگر دیگران به نوابی رسیدند به حسادت مبتلا نمی‌شود، حرص و بخل و طمع آتش به جانش نمی‌افکند، ناراحتی‌های عصبی او را به زخم معده و زخم روده مبتلا نمی‌سازد. افراط در شهوت او را ضعیف و ناتوان نمی‌کند، عمرش طولانی تر می‌شود سلامت تن و سلامت روح بستگی



زیادی به ایمان، مهم ترین مشخصه های انسان معنوی، دارد. مقصود این است که با وجود ایمان، محرومیت ها انسان را از پا در نمی آورد بلکه تعادل او را محفوظ نگه می دارد ( مطهری ، ۲۲۸).

امام علی (ع) می فرماید: «بیماری تو از درون توست و خودت نمی فهمی و دوی تو در درون توست و خودت نمی بینی». (خویی: ۳۶/۷) با دقت در آیات قران واژه های متعددی را که جلوه های مختلف از رفتارهای نابهنجار و بیمارگونه آدمی و مراحل مختلف آنهاست و همچنین اصطلاحاتی که علایم و نشانه های عملکرد نرمال و بهینه دل و روان آدمی است می توان استخراج کرد. از دیدگاه اسلامی تنها راه رسیدن به زندگی سالم و سلامت روانی، پذیرش و عمل کردن فرهنگ توحیدی است که همانا رعایت فردی و اجتماعی موازین الهی در زندگی می باشد باور به قدرت خداوند و نیایش او و سر نهادن به خواست و اراده الهی در تسکین دردها به انسان تحمل می دهد در این حال است که نیازهای روحی تأمین می شوند، ویژگی های اخلاقی تبلور می یابند و انسان توان آن را می یابد که از جسم خود دور گردد و درد را حس نکند یا آنچه را آرامشی یابد که کنش را تجربه نماید ( انصاری ، ۱۳۹۲: ۲۰)

#### ۴-۲ معنویت و خودکنترلی

همه ی مدیران بر این امر واقفند که تا کنون هیچ ابزار و روشی در علم مدیریت نتوانسته است مشکل نظارت بر نیروی انسانی را به طور کامل حل نماید ولی اگر در محیط کارهای اسلامی با یک برنامه ی حساب شده، روح معنویت و ایمان به خدای تبارک و تعالی در دل کارکنان بارور شود مسلماً نه تنها درون آن محیط ها بلکه در کل جامعه خیانت کارشکنی و یا فرار از مسولیت و مانند آن تقلیل خواهد یافت چه این که به بیان صریح قرآن: « یَعْلَمُ خَائِنًا الْأَعْيُنَ وَ مَا تَخْفَى الصُّدُورِ » خدا چشم های خائن و اسرار دل های ناپاک را می شناسد» (سوره مومن، آیه ۱۹).

با تشویق کارکنان به اعمال خیر و سعی در متقاعد ساختن آنان در حس انجام مسولیتی که بر عهده دارند با توجه به نظارتی که خداوند بر کردار و نیت آنان به طور مداوم اعمال می دارد، می تواند کمک بسیار شایانی در جهت جلوگیری از هدر رفتن نیروهای انسانی به انگیزه های گوناگون و نامشروع باشد (افجه ای: ۱۰۳-۱۰۵).

#### ۴-۳ معنویت و توفیقات الهی

در صورت تلاش برای ارتباط بیشتر با خداوند متعال و انجام دستورات الهی در محیط کار و عنایات حق تعالی باعث توفیقات روزافزون کار خواهد شد. جلب اعتماد بیشتر مردم خداجوی جامعه و در نتیجه سهل تر شدن انجام وظایف و شیرین تر شدن آنها، از نتایج دیگر توفیقات الهی ناشی از ارتقای معنویت در محیط کار است. همچنین توفیق الهی باعث می شود روحیه ی خدمت کردن ارتقا یافته و انجام وظایف محوله، مفتخرانه صورت گیرد. بنابراین افزایش معنویت و ایمان الهی اثرات و برکات بسیاری می تواند همراه داشته باشد اما مهمترین اثر و اهمیت آن رضای الهی در تمام امور فردی و اجتماعی و در نتیجه سعادت اخروی کارکنان خواهد بود.

یاد خدا و معاد، قضیه محاسبه، قضیه تمام نشدن کارها با زوال جسم با مرگ است که از موثرترین عوامل معنوی در بالا بردن کیفیت کار و تلاش اقتصادی است. از منظر اسلام هدف نهایی انسان تکامل در پرتو نیل به قرب الهی است که در فطرت او نهفته است (مصباح یزدی، ۸۶). از این رو هدف نهایی نظام اقتصادی اسلام، فراهم آوردن زمینه های لازم برای دستیابی افراد به کمال مطلوب است. یکی از اصول و معیارهای لازم برای نیل به این هدف یاد خدا و محور قرار دادن خداوند در تمامی افعال و اعمال است به این معنا که خدا محوری، جوهره اساسی رفتار و منش فرد را تشکیل دهد و در تمامی شئون زندگی و در همه دوران حضوری پررنگ داشته باشد که این حضور هرچه پررنگ تر باشد، کارهای انسان بیشتر رنگ و بوی الهی به خود می گیرد و ارزشمندتر می شود. امام علی (ع) که قرآن ناطق و آگاه و آشنا با آفریدگار هستی و صفات و ویژگی های اوست، کارگزاران خویش را به یاد خدا، خدا گرایی و خدا محوری در تمامی شئون زندگی دعوت می کرد از جمله به مالک اشتر، استاندار مصر، توصیه می فرمایند: «أَمْرُهُ بِتَقْوَى اللَّهِ وَ آيَاتِ طَاعَتِهِ وَ اتِّبَاعِ مَا أَمَرَ بِهِ فِي كِتَابِهِ مِنْ قِرَائَتِهِ وَ سُنَنِهِ الَّتِي لَا يَسْعَدُ أَحَدٌ إِلَّا بِآبَاعِهَا وَ لَا يَشْقَى إِلَّا مَعَ جُحُودِهَا وَ إِضَاعَتِهَا وَ أَنْ يَنْصُرَ وَ اللَّهُ سُبْحَانَهُ يَقْلِبُهُ وَ يَدُهُ وَ لِسَانُهُ فَانْهَ جَلَّ اسْمُهُ قَدْ تَكْفَلَتْ بِنَصْرِهِ مَنْ نَصَرَهُ وَ اعْزَازَ مَنْ أَعَزَّهُ» «او را به ترس از خدا فرمان می دهد و اینکه اطاعت خدا را بر دیگر کارها مقدم دارد و آنچه را در کتاب خدا آمده است از واجبات و سنت ها پیروی کند، دستوراتی که هیچکس جز با پیروی از آنها رستگار نخواهد شد و جز به انکار و ضایع کردن آنها بدبخت نخواهد شد به او فرمان می دهد که خدا را با دل و دست و زبان یاری دهد و بزرگ دارد آن کس را که او بزرگ شمارد»

یاد خدا یعنی اینکه بنده، آفریدن و فرمان دادن را از آن خداوند، عالم را محضر حق، و خدا را در رأس همه امور و ناظر بر کارها بداند از نافرمانی خدا بپرهیزد، از غم دنیوی برهد و فقط بر رضایت خداوند بیندیشد، خود را وقف اجرای دستورات الهی کند، کردار خود را هم در نیت و هم در عمل خالصانه و به دور از ریا انجام دهد و خداوند را همیشه مدنظر قرار دهد. خداواری نقش مهمی در گرایش انسان به اخلاقی عمل کردن دارد اگر محور همه امور خدا باشد و هدف انسان و جهان سیر به او قلمداد شود یعنی آدمی معتقد باشد که هستی هم از خدا و هم به سوی اوست و هدف غایی آدمی رسیدن به مقام قرب الهی است کوشش خواهد کرد اعمال و رفتارهای خود را در مسیر رسیدن به این هدف تنظیم کند

امام علی (ع) در نامه به امام حسن (ع) به آن حضرت سفارش می کنند خدامحوری را سرلوحه کارهای خود قرار دهند ای فرزند وصیت مرا نیکو دریاب و بدان که مرگ در دست همان کسی است که زندگی در دست او است. از دیدگاه قرآن بهترین حالت انسان توجه به خدا و یاد معاد و بدترین حالت غفلت و فراموشی از یاد خداوند متعال می باشد این اصل در برخی از آیات قرآن کریم بیان شده است از جمله: «وَلَقَدْ ذَرَأْنَا لِجَهَنَّمَ كَثِيرًا مِنَ الْجِنَّ وَالْإِنْسِ لَهُمْ قُلُوبٌ لَا يَفْقَهُونَ بِهَا وَ لَهُمْ أَعْيُنٌ لَا يُبْصِرُونَ بِهَا وَ لَهُمْ آذَانٌ لَا يَسْمَعُونَ بِهَا أُولَئِكَ كَالْأَنْعَامِ بَلْ هُمْ أَضَلُّ أُولَئِكَ هُمُ الْعَافِلُونَ» «به یقین گروه بسیاری از جن و انس را برای دوزخ آفریدیم آنها دلهایی دارند که با آن اندیشه نمی کنند و نمی فهمند و چشمانی که با آن نمی بیند و گوش هایی که با آن نمی شنوند آنها همچون چهارپایانند، بلکه گمراه تر، اینان همان غافلانند». (سوره اعراف،

آیه ۱۷۹) «رِجَالٌ لَا تُلْهِهِمْ تِجَارَةٌ وَلَا بَيْعٌ عَن ذِكْرِ اللَّهِ وَإِقَامِ الصَّلَاةِ وَإِيتَاءِ الزَّكَاةِ يَخَافُونَ يَوْمًا تَتَقَلَّبُ فِيهِ الْقُلُوبُ وَالْأَبْصَارُ»، «مردانی که نه تجارت و نه معامله ای آنان را یاد خدا و برپا داشتن نماز و ادای زکات غافل نمی کند» (سوره نور، آیه ۳۷).

ذکر به معنای حفظ مطالب و معارف است و گاه به معنای یاد آوری زبانی و قلبی چیزی می باشد (راغب اصفهانی: ۳۲۸) مراد از کسانی که در این آیه از آنها یاد شده است تجاری است که با شنیدن صدای اذان، تجارت را رها می کنند و به سوی نماز می روند. از نظر اسلام حتی کارهای حلال و مباح نباید انسان را از یاد خدا غافل کند چه رسد به کارهای مکروه و حرام از طرفی ترک تجارت ارزش نیست بلکه کار و تجارت همراه با یاد خدا و نماز و زکات ارزش است (قرائتی، ۸: ۱۸۶-۱۸۸)

باور به معاد و یا ذکر یکی از نیرومندترین عوامل درونی اصلاح رفتارها و جلوگیری از ناشایست ها، از جمله مفاسد اقتصادی است. قرآن کریم در نهی از کم فروشی و نکوهش کم فروشان می فرماید: «أَلَا يَظُنُّ أُولَئِكَ أَنَّهُمْ مَبْعُوثُونَ \* لِيَوْمٍ عَظِيمٍ \* يَوْمَ يَقُومُ النَّاسُ لِرَبِّ الْعَالَمِينَ \*» «آیا آنها گمان نمی کنند که برانگیخته می شوند در روزی بزرگ روزی که مردم در پیشگاه پروردگار جهانیان می ایستند» (سوره مصطفین، آیات ۴ تا ۶).

واژه یَظُنُّ ممکن است اشاره به این داشته باشد که اعتقاد به معاد هرچند در حد گمان، تأثیر عمیقی بر پیشگیری از مفاسد اقتصادی دارد (طبرسی ۹، ۶۸۷) از این رو در نگاه قرآن بازرگانانی که به هنگام تجارت پیوسته به یاد معاد هستند مقام والایی می یابند. قضیه معاد، قضیه محاسبه، قضیه تمام نشدن کارها با زوال جسم با مرگ است این خیلی مسئله مهمی است این که حساب و کتابی در کار است. «فَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ خَيْرًا يَرَهُ، اشخاصی که به این اعتقاد داشته باشند و در بر نامه عملی اش این معنا باشد که "مَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ خَيْرًا يَرَهُ وَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ شَرًّا يَرَهُ" (سوره زلزال، آیه ۷) در زندگی اش تحول اساسی به وجود خواهد آمد اعتقاد به امتداد نتایج عمل و اعتقاد به جهانی دیگر نقش مهمی در رفتار مسلمانان و میل آنها به نیکوکاری فردی از کارهای ناشایست دارد.

#### ۴-۵ توجه به نماز

حقیقت نماز آن رابطه قلبی و عملی با خدا است که در تمام ابعاد زندگی انسان از جمله کار و تلاش اقتصادی تأثیر بسزایی دارد. نماز مظهر یاد خداست و مقدم بر همه فعالیت های تجاری. قرآن کریم می فرماید: «رِجَالٌ لَا تُلْهِهِمْ تِجَارَةٌ وَلَا بَيْعٌ عَن ذِكْرِ اللَّهِ وَإِقَامِ الصَّلَاةِ وَإِيتَاءِ الزَّكَاةِ يَخَافُونَ يَوْمًا تَتَقَلَّبُ فِيهِ الْقُلُوبُ وَالْأَبْصَارُ» «مردانی که هیچ کسب و تجارت آنان را از یاد خداوند و به پا داشتن نماز و دادن زکات غافل نگرداند و از روزی که دیده ها در آن روز حیران و مضطرب است ترسان و هراسانند» امام صادق علیه السلام ذیل آیه می فرماید: «آنان بازرگانانی اند که هیچ تجارت و داد و ستدی آنان را از یاد خدا باز نمی دارد و چون زمان نماز فرا رسد حق الهی را به جای می آورند» (محمدی اشتهاردی، ۶).

نماز با ایجاد هنجارهای هماهنگ، از بروز ناهنجاری ها جلوگیری کرده و روند توسعه اجتماعی را شتاب می بخشد، زیرا با افزایش روابط بین گروهی، اعتقاد متقابل را تعمیم داده و با گسترش دوستی ها و پیوندهای اجتماعی، تضادهای

نابهنجاری را کنترل کرده و به تبع آن ارزش‌های ثابت و استوار را جایگزین می‌کند. رفع اختلالات هنجاری جامعه، سبب کم شدن دامنه کنترل رسمی از سوی حاکمیت می‌شود. در بطن نماز آموزش‌هایی وجود دارد که در ارتقای فرهنگ بهره‌وری مؤثر بوده و در شرایط کنونی می‌تواند مورد استفاده قرار گیرد. با توجه به این که نماز بهترین عمل است این توقع می‌رود که در رشد و تعمیق بهره‌وری نیز نقش بهینه خود را ایفا کند. از آن جمله می‌توان به عزم کاری که یکی از عوامل اساسی پیشرفت است اشاره کرد و کار گروهی باعث می‌شود که در رابطه نزدیک و صحیح مدیریت با پرسنل، ضرورت وجود روابط انسانی در محیط کار که می‌توان از رابطه نمازگزاران با امام جماعت و یکدیگر الگوبرداری کرد. نماز به عنوان منبع خیر و برکت و رزق موتور حرکت ارادی، آگاهانه و مستمری است که دائماً تکرار و روحیه تکاپو و جنبش را ایجاد می‌کند. در مقابل نقش بازدارندگی نماز در ارتکاب گناه و زدودن آلودگی‌های اعتقادی، توسل به هر روش و شیوه‌ای برای جلب منافع اقتصادی موجه نمی‌داند. نمازگزار در همه حال خداوند را بر امور خود ناظر و شاهد می‌داند و بدون این که کسی بر رفتار او نظارت داشته باشد همواره خود را در محضر خداوند می‌بیند. وجود باور به صدقه، انفاق، زکات، خمس در نمازگزار، روحیه تعاون، نوع‌دوستی و اهتمام به امور محرومین را ایجاد و از این طریق جریان فقر زدایی را در جامعه افزایش می‌دهد. نماز از مهمترین مولفه‌هایی است که فاصله گرفتن از آن هر جامعه‌ای را از مسیر موفقیت جدا و باعث زوال و نابودی می‌سازد. اما حقیقت نماز آن رابطه قلبی و عملی با خدا و معجون تمام حرکاتی که برای انسان وجود دارد، ایستادن، نشستن، خم شدن و زبان را با الفاظ گوناگون به سخن درآوردن و مانند آن، یعنی انسان در تمام حالات در یاد او فرو می‌رود تمام اعضای او رنگ ایمان پیدا می‌کند و این خود یک لطافتی است که در تعدیل حرکات مؤثر خواهد بود (سوره طه، آیه ۱۴).

وقتی قرآن سخن از نماز می‌آورد می‌فرماید: نماز بخوانید تا یاد مرا زنده کنید و من در یاد شما ظهور کنم و اگر یاد خدا به وسیله نماز ظهور گردد آن قلب مطمئن است. از طرفی یاد خدا دلها را مطمئن می‌کند «الَّذِينَ يَدْعُونَ اللَّهَ تَعْتَمِنُ الْقُلُوبُ» (سوره رعد، آیه ۲۸) پس دل انسان نمازگزار مطمئن است هرگز از غیر خدا نمی‌ترسد هیچ دشمنی چه از درون و چه از بیرون نمی‌تواند موجب هراس او شود زیرا اهل نماز به یاد حق هستند و یاد حق عامل طمأنینه و آرامش است. در سوره معارج درباره حکمت‌های نماز می‌فرماید: طبع انسان در برابر شداوند بی‌تابی می‌کند و اگر چیزی به او رسید سعی می‌کند انحصار طلب باشد و به دیگران ندهد فطرت انسان بر توحید و طبیعت او به رجس و آلودگی متمایل است. فطرت را انبیا احیا می‌کنند و طبیعت جز آلودگی چیزی نیست نمازگزاران طبیعت را سرکوب و فطرت را احیا کرده اند خاصیت نماز احیای فطرت است نمازگزار کسی است که سرکشی طبیعت را رام می‌کند و او با سرمایه آرامشی که از نماز به دست آورده در فراز و نشیب زندگی سست نمی‌شود و در شداید و سختی‌ها جزع نمی‌کند اگر چیزی به او برسد منع نمی‌کند از دیگران دریغ نمی‌دارد (جوادی آملی، ۱۳۷۸: ۳۲) «نماز را بپا دارید قطعاً نماز از گناهان آشکار و کارهای ناپسند باز می‌دارد» (سوره عنکبوت، آیه ۴۵).

یکی از عوامل کاهش جرائم از جمله حرام خواری در میان افراد جامعه اسلامی انتشار فرهنگ اقامه نماز است نمازی که با بصیرت و توجه اقامه شده همچون چراغی است که در دل و باطن فرد نوری فروزان شود انسان را به عالم ملکوت

هدایت کرده و مانعی از عصیان و نافرمانی انسان باشد. اداره زندگی اگرچه مورد تأکید فراوان اسلام واقع شده است اما به انسان نمازگزار اجازه داده نشده است که از هر راهی یا هر ابزاری زندگی اش را تأمین کند بلکه باید با رعایت قوانین و ضوابط دقیق از ورود مال حرام در زندگی جلوگیری کند سلامت روح در گرو به استفاده صحیح و مطلوب از مال حلال است و بی توجهی به این موضوع عوارض و پیامدهای منفی و مخربی را برای انسان به وجود می آورد پیامبر اکرم صلی الله و علیه و آله می فرماید: «تَرَكَ لُقْمَةَ حَرَامٍ أَحَبُّ إِلَيَّ اللَّهُ تَعَالَى مِنْ صَلَاةِ الْفَلْيُ رُكْعَةً تَطَوُّعًا»، «چشم پوشی از یک لقمه حرام نزد خدا از خواندن دوهزار رکعت نماز مستحبی محبوب تر است» (محمدی ری شهری: ۲۶).

دو چیز در یک جامعه نمی گنجد: روحیه نمازی و رویه دغلبازی. هرگاه عرصه اقتصاد جامعه ای به پلیدی های حرام خواری آلوده گردد روح نماز از آن اقتصاد رخت بر می بندد و فضای جامعه را به انواع آلودگی ها می آلودد. پیوند نماز با لقمه حلال در روایات می خوانیم مثال: «کسانی که با لقمه حرام عبادت می کنند مثال کسانی است که روی شن های نرم خانه می سازند» (مجلسی، ۸۱: ۲۵۸). نمازگزار باید شرایطی را در لباس، درآمد، مکان نماز، رعایت حقوق مردم از قبیل پرداخت زکات با توجه به حقوق دیگر و موارد دیگر را در نظر بگیرد تا نمازش مورد قبول خداوند قرار گیرد این پیامدها که تمامی زوایای زندگی انسان را تحت تاثیر قرار می دهد نماز را از یک عمل فردی و شخصی خارج و به صورت یک جریان اصلاحی و پدیده های اجتماعی در متن زندگی ظاهر می سازد و در واقع مسیر برقراری عدالت اجتماعی را هموار می کند

استاد شهید مطهری می فرماید: مسئله دیگر مسئله حقوق است. از نظر عبادت واقعاً فرقی نمی کند که ما روی یک فرش غضبی نشسته باشیم و یا روی یک فرش مباح اینها قراردادهای اجتماعی که این فرش مال شما باشد و آن فرش مال من، من در مال شما تصرف نکنم و شما در مال من تصرف نکنید اینها یک دستوراتی است که برای زندگی اجتماعی است و گرنه یک واقعیت و حقیقتی نیست. مسئله عبادت یک امر واقعی است یعنی از نظر آن حالت و رابطه روانی که میان انسان و خدا برقرار می شود این امور واقعاً نمی تواند اثری در عبادت داشته باشد بعضی چیزها اثر دارد مثلاً اگر انسان دچار برخی عوارض روحی جسمی باشد اصلاً عبادت بر هم می خورد و این عوارض مانع حضور قلب و توجه می شود ولی امور مذکور چنین اثری ندارد.

از این رو اسلام می گوید جایی که در آن نماز می خوانی، آبی که با آن وضو می گیری حتی آن محلی که در آن آب وضوی تو ریخته می شود، لباسی که با آن نماز می خوانی تمام آنچه با این عمل تو ارتباط دارد باید مباح باشد نباید حرام باشد (شهید مطهری، ۱۸۸-۱۸۷) انسان در وقتی که می خواهد نماز بخواند براستی می خواهد خود را یک انسان واقعی کند و بنمایاند. زیرا یک انسان واقعی آن کس است که اولاً حقوق اجتماعی را محترم بشمارد ثانیاً یک انسان واقعی وقت شناس است و اهل انضباط است ثالثاً نمازگزار قبله شناس است می داند به کدام سو متوجه شود جهت شناس است. رابعاً خود را پاک از آلودگی ها و نجاست نگه می دارد بدن و لباسش پاک و پاکیزه است و خامساً احساسات و غرایز خود را ضبط می کند و برای مدتی نه می خورد و نه می خوابد و نه به این طرف و آن طرف متوجه می شود و عالیترین افکار و اذکار را تکرار می کند (مطهری، ۲/ ۲۷۲) نماز بزرگترین و محکم ترین تکیه گاهی است که ما را از سرگردانی، بلا تکلیفی، پوچ گرایی و هیچ انگاری نجات می دهد و ما را دستگیر و راهنماست پشتوانه انسان در بحران های زندگی است زیرا به انسان قدرت

ایمان، صبر و اراده می دهد و او را از ناامیدی می رهاند. تعظیم در برابر خدا عزت انسان را در پی دارد اما از سوی دیگر تعظیم در برابر غیر خدا ذلت و خواری انسان را به دنبال دارد.

## ۵- عوامل معنوی مؤثر بر رشد اقتصادی

برخی از عوامل معنوی یادشده به طور مستقیم و پاره ای دیگر به شکل غیرمستقیم بر رشد اقتصادی موثرند، برخی از آن ها نیز هم به طور مستقیم و هم غیرمستقیم بر پدیده ی رشد اقتصادی تاثیر گذارند. در ادامه به برخی از این عوامل اشاره خواهد شد.

### ۵-۱ ایمان و تقوا

«وَكُلُوا مِنْ أَهْلِ الْقُرَىٰ آمِنُوا وَاتَّقُوا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِّنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ وَلَكِن كَذَّبُوا فَأَخَذْنَاهُم بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ» و اگر اهل شهرها و آبادی ها، ایمان می آوردند و تقوا پیشه می کردند برکات آسمان و زمین را بر آنها می گشودیم ولی (آنها حق را) تکذیب کردند، ما هم آنان را به کیفر اعمالشان مجازات کردیم» (اعراف، ۹۶). برکات جمع برکت از ریشه برک به معنای ثبات و پایداری هر چیزی می باشد. «برک الی عمر» به این معنا است که شتر سینه خود را به زمین زد، زیرا در این حالت مستلزم نوعی قرار گرفتن و ثابت شدن است (طریحی، ۱۳۷۵: ۲۵۸/۵). برخی از لغویون این واژه را به نحوی دیگر نیز معنا کرده و گفته اند برکت، فضل و خیر و زیاده ای است که می تواند مادی و معنوی باشد. (مصطفوی، ۱۳۸۰، ج ۱، ۲۵۸) در فرهنگ قرآنی برکت ثبوت خیر خداوندی است. بنابر نص قرآن ایمان و تقوا باعث باز شدن ابواب برکات زمین و آسمان می گردد و این به معنی افزایش رزق و روزی و بهبود اوضاع اقتصادی می شود. پس چرا جوامع مسلمان از جوامع اهل کفر در مسائل مادی و اقتصادی عقب تر هستند؟ پاسخ این سؤال در خود آیه مورد نظر آمده است و علامه طباطبایی به خوبی به این نکته اشاره کرده است. ایشان در تفسیر این آیه باز شدن ابواب برکت را مسبب از ایمان و تقوای جمعی می داند و در این رابطه می نویسد: جمله « وَكُلُوا مِنْ أَهْلِ الْقُرَىٰ آمِنُوا وَاتَّقُوا...» دلالت دارد بر اینکه افتتاح ابواب برکت مسبب از ایمان و تقوای جمعیت هاست نه ایمان و تقوای برخی از افراد، زیرا ایمان و تقوای برخی از افراد همواره همراه کفر و فسق بعضی دیگر است. (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۸، ۲۵۴). ظاهر این نکته برگرفته از کلمه «اهل القرى» می باشد که به معنای اهل شهرها و آبادی هاست خداوند گشایش برکات را مسبب از ایمان و تقوای اهل القرى دانسته است.

با توجه به مطالبی که در مورد عوامل رشد اقتصادی گذشت، باید چنین گفت که ایمان از طرفی موجب فزونی نعمت ها می گردد که خود به عنوان عاملی مستقیم در رشد محسوب می گردد (افزایش سرمایه فیزیکی). از طرف دیگر ایمان، باعث استحکام ساختار اجتماعی جامعه گردیده و خود به صورت غیرمستقیم بر رشد تاثیر می گذارد. شاید بتوان گفت این آیه به آثار عقلی و عملی تقوا نیز اشاره دارد. حاصل ایمان و تقوا عبارت است از اخلاق کاری صحیح، معاملات درست، تولید مفید و کارآ، پرهیز از اسراف و تبذیر، عدالت در فعالیت های اقتصادی که به دنبال آن اقتصادی پویا و بالنده پدید می آید و بی- ثباتی درونی اقتصاد از بین خواهد رفت. (هادوی نیا، ۱۳۹۶: ۲۲۲).

یعنی افزایش ایمان و تقوا در جامعه از طریق تقویت سرمایه اجتماعی و همچنین کمک به استحکام و قدرت نهادهای اجتماعی به رشد جامعه کمک می‌کند. البته تقوا مهم‌ترین عامل در تربیت نیروی انسانی در اسلام محسوب می‌گردد و نیروی انسانی تربیت یافته از جمله عوامل مؤثر در رشد اقتصادی است به نحوی که چپرا تقویت عامل انسانی را یکی از پنج راهکار سیاستی اسلام برای رشد و توسعه آمیخته با عدالت و ثبات می‌داند. (جهانیان، ۱۳۹۰، ۲۸۲). پس در این آیه ایمان و تقوا را هم می‌توان به‌عنوان تأثیر مستقیم (افزایش سرمایه فیزیکی) و هم به‌عنوان تأثیر غیرمستقیم (تقویت سرمایه اجتماعی و نهادهای جامعه) در رشد اقتصادی در نظر گرفت.

## ۵-۲ شکرگزاری

«وَإِذْ تَأَذَّنَ رَبُّكُمْ لَئِن شَكَرْتُمْ لَأَزِيدَنَّكُمْ وَلَئِن كَفَرْتُمْ إِنَّ عَذَابِي لَشَدِيدٌ» و همچنین به خاطر بیاورید هنگامی را که پروردگارتان اعلام داشت، اگر شکرگزاری کنید (نعمت خود را) بر شما خواهم افزود و اگر ناسپاسی کنید مجازاتم شدید است» (سوره ابراهیم، آیه ۷) شکر در لغت به معنای شناخت احسان و نشر آن و سپاس از احسان‌کننده است (فراهیدی، ج ۵: ۲۹۲).

شکر در لسان روایات دارای سه مرتبه است:

۱- شکر قلبی، شکر قلبی آن است که انسان باور داشته باشد که نعمت از خداوند متعال است. امام صادق (ع) می‌فرماید: «کسی که خداوند نعمتی به وی ارزانی دارد و با قلب خود این حقیقت را دریابد، شکر نعمت را به جا آورده است».

۲- شکر زبانی: این نوع شکر با گفتن «الحمد لله» تحقق می‌یابد. از امام صادق (ع) نقل شده است که هیچ نعمتی نیست که خداوند به بنده‌ای عطا کند، خرد یا کلان و بنده بگوید «الحمد لله»، مگر اینکه شکر آن را گزارده باشد.

۳- شکر عملی: شکر عملی به آن است که نعمت را در راهی که مورد رضایت خداوند است به کار برد و از آن در راه معصیت استفاده نکند. امام علی (ع) می‌فرماید: شکرگزاری مؤمن در کردار او ظاهر می‌شود و شکرگزاری منافق از زبانش فراتر نمی‌رود. (ری شهری، ۱۳۶۶: ۹۰).

آنچه از ظاهر آیه برمی‌آید این است که سنت خداوند بر آن است که شکر را وسیله ازدیاد نعمت و کفران نعمت را موجب تباهی قرار داده و این سنت را قاطعانه اعلام کرده است. زیرا در کلمه «لازیدنکم» دو تأکید، لام تأکید و نون ثقیله به-کار رفته که این حاکی از آن است که این یکی از سنت‌های مؤکد خداوند می‌باشد. آیه شریفه مطلق است و شامل ازدیاد نعمات دنیایی و اخروی می‌گردد و مختص به دنیا یا آخرت به‌نهایی نمی‌باشد. بنابر آیات مکرر قرآن، ایمان و کفر، تقوا و فسق، هم در شئون دنیایی مؤثرند و هم در شئون اخروی. (طبا طبایی، ۱۴۱۷، ج ۱۲: ۲۳).

در ادامه برخی از روایات که در این زمینه است، اشاره می‌شود. امام صادق (ع) فرمودند: هر که خداوند توفیق شکرش را داده باشد نعمتش را هم زیاد می‌کند. هم‌چنان که خودش فرموده است: (کلینی، ج ۲: ۷۸) «لئن شکرتم لازیدنکم». حضرت رسول اکرم (ص) فرمودند به هیچ کس چهار چیز ندادند، که از چهار چیزش دریغ کرده باشند. به کسی توفیق شکر

ندادند که از زیادی نعمتش دریغ کرده باشند، زیرا خدای تعالی فرمود: «لَئِنْ شَكَرْتُمْ لَأَزِيدَنَّكُمْ» و به کسی توفیق دعا ندادند که اجابت از وی دریغ کرده باشند چون خدای تعالی فرموده: «أَدْعُونِي اسْتَجِبْ لَكُمْ» و به کسی توفیق استغفار ندادند که از آمرزشش دریغ کرده باشند، زیرا خدای تعالی فرموده: «اسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ إِنَّهُ كَانَ غَفَّارًا» و به کسی توفیق توبه ندادند که از قبول توبه‌اش دریغ کرده باشند چون خدای تعالی فرموده: «وَهُوَ الَّذِي يَقْبَلُ التَّوْبَةَ عَنْ عِبَادِهِ». (سیوطی، ۱۴۴، ج ۴: ۷۱).

رابطه شکر با نعمت‌های خداوند در قرآن و روایات فراوان آمده است. در بیشترین این کلمات به فزونی نعمت‌ها بر اثر سپاس‌گزاری از خداوند اشاره شده است. در مقابل ناسپاسی باعث زوال نعمت می‌شود. مال یکی از نعمت‌های برجسته خداوند است که اگر شکر آن به جا آورده شود یعنی در راه صحیح از آن استفاده شود، خداوند بر آن خواهد افزود. پس این آیه نیز مانند آیه قبل دلالت بر هر دو نوع از تأثیرات ارزش‌ها بر رشد می‌کند، یعنی شکرگزاری از طرفی موجب فزونی نعمت‌ها می‌گردد که خود به‌عنوان عاملی مستقیم در رشد محسوب می‌گردد. (افزایش سرمایه فیزیکی) و از طرف دیگر موجب تربیت نیروی انسانی می‌گردد که امروزه به‌عنوان عاملی مؤثر و مهم در مدل‌های رشد مطرح است.

در اهمیت مقوله سرمایه انسانی در رشد اقتصادی باید گفت که برای دستیابی به رشد اقتصادی، افزون بر سرمایه‌های مادی سرمایه‌گذاری در زمینه انسانی نیز مورد نیاز است و سرمایه‌گذاری در منابع انسانی عبارت است از آموزش و تربیت نیروی انسانی، و به طور کلی پرداختن و اهمیت دادن به مقولاتی مانند آموزش و کسب مهارت برای کار و اینکه انسان باید تقوای الهی داشته باشد، شکرگزار باشد، به احکام الهی بپردازد و مواردی از این دست همه از عناصری هستند که هم آرامش روحی افراد را تأمین می‌کنند که تأثیر مستقیم در بهره‌وری بالاتر نیروی کار دارد و هم موجب تقویت فضای مناسب جهت ایجاد امنیت و عدالت گردیده و به عبارتی سرمایه اجتماعی را ارتقاء بخشید و از این طریق نیز به رشد اقتصادی کمک می‌نماید. زیرا سرمایه اجتماعی می‌تواند باعث افزایش انباشت سرمایه انسانی، توسعه مالی و سرمایه‌گذاری، افزایش نوآوری و خلاقیت، افزایش کارایی عملکرد دولت و سیاست‌های اعمال شده از طرف دولت و بسیاری نتایج دیگر گردد. (رحمانی، ۱۳۹۴: ۲).

### ۵-۳ اقامه احکام

«وَلَوْ أَنَّهُمْ أَقَامُوا التَّوْرَةَ وَالْإِنْجِيلَ وَمَا أُنزِلَ إِلَيْهِمْ مِنْ رَبِّهِمْ لَأَكْلُوا مِنْ فَوْقِهِمْ وَمِنْ تَحْتِ أَرْجُلِهِمْ مِنْهُمْ أُمَّةٌ مُقْتَصِدَةٌ وَكَثِيرٌ مِنْهُمْ سَاءَ مَا يَعْمَلُونَ» «و اگر آنان تورات و انجیل و آنچه را از سوی پروردگارش بر آنها نازل شده، برپا دارند، از آسمان و زمین، روزی خواهند خورد، جمعی از آنها معتدل و میانه‌رو هستند ولی بیشترشان اعمال بدی انجام می‌دهند» (مائده، ۹۶).

منظور از تورات و انجیل، آن قسمت از تورات و انجیل واقعی است که در آن زمان در دست آنها بود، نه قسمت‌های تحریف یافته که کم و بیش از روی قرائن شناخته می‌شود و مراد از اقامه این کتاب‌ها، اعتقاد به اصول و احکام آن و عمل کردن به همه دستورات آن یعنی استفاده کردن از دستورات آنها در بین جامعه و عمل کردن همه به شرایع آن. (طبرسی، ۱۹۸۶، ج ۳، ۳۴۲). منظور از «ما أنزل إليهم من ربهم» همه کتاب‌های آسمانی و دستورات الهی است که شامل قرآن نیز می‌شود، زیرا این جمله مطلق است و شامل همه امور راهنمایی‌کننده به دین می‌باشد. (طوسی، ۱۴۱۴، ج ۳، ۲۱۵). مراد از



خوردن در جمله‌ی «لَا كَلُوا مِنْ فَوْقِهِمْ وَمِنْ تَحْتِ أَرْجُلِهِمْ» مطلق توسعه و تنعم است. بدین معنی که روزی آنها چنین وسیع می‌شود که از بالای سرشان و از زیر پاهایشان روزی می‌خورند، یعنی خدای تعالی روزی آنها را وسیع می‌گرداند و مراد از بالا و پایین، آسمان و زمین است. (طبایبی، ۱۴۱۷، ج ۶: ۳۸). نکته‌ای که از این آیه شریفه می‌توان استنباط کرد این است که ایمان و عمل صالح نوع بشر در زندگی دنیایی آنان مؤثر است و همچنین کفر و فساد و نوع بشر در عالم نیز در زندگی آنان مؤثر است. بنابراین اگر انسان‌ها به تمامی اصول و فروع دینی خود عمل کنند، از این گونه آیات استفاده می‌شود که نظام دنیا در جهت بهره‌وری هرچه وسیع‌تر بشر از نعمات خدادادی با انسان‌ها همراه می‌شود. اینکه عمل نوع بشر در زندگی دنیایی و اقتصادی بشر مؤثر است در آیات دیگری نیز وجود دارد مانند «ظَهَرَ الْفَسَادُ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ بِمَا كَسَبَتْ أَيْدِي النَّاسِ لِيُذِيقَهُمْ بَعْضَ الَّذِي عَمِلُوا لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ قُلْ سِيرُوا فِي الْأَرْضِ» (آیه ۴۱ سوره روم). در آیه شریفه مراد از فساد روی زمین عبارت است از مصائب و بلاهای عمومی مثل سیل، زلزله، قحطی، جنگ‌ها، غارت‌ها و به طور کلی هرگونه بلایی که نظام این جهان را برهم می‌زند و زندگی مردم را مختل می‌کند. «بِمَا كَسَبَتْ أَيْدِي النَّاسِ» پس این فساد ظاهر در دنیا بواسطه کارهایی از قبیل شرک و معصیت است که مردم انجام می‌دهند. (طبایبی، ۱۴۱۷، ج ۱۶: ۱۹۶).

در این آیات نیز به یکی دیگر از عواملی که به صورت غیرمستقیم بر رشد اقتصادی تأثیر می‌گذارد یعنی اقامه احکام اشاره شده است. طبق بیان آیه و مباحث تفسیری که در بالا اشاره شد این عامل را می‌توان به‌عنوان مؤلفه‌ای جهت نیروی انسانی متعهد در نظر گرفت و همین طور عاملی در جهت تحقق عدالت در جامعه که هر دو جزء عوامل غیرمستقیم رشد اقتصادی هستند. به بیان دیگر می‌توان گفت که اقامه احکام و ایمان و عمل صالح در الگوهای توسعه اقتصادی اسلام تأثیر بسزایی بر تقویت ابعاد معنوی انسان‌ها در همکاری‌های اقتصادی (تعاون)، انفاقات، گذشت‌های مالی و جانی، ایثار اموال و ثروت‌ها و ... دارد. (آزاد دانا، ۱۳۷۱: ۲۴۱). که این آثار موجب می‌شود که رفتار اقتصادی مسلمانان جهت‌دار گردیده تا بتوان در مسیر رشد اقتصادی سریع‌تر حرکت نمود.

#### ۴-۵ استغفار و توبه

«وَيَا قَوْمِ اسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ ثُمَّ تُوبُوا إِلَيْهِ يُرْسِلِ السَّمَاءَ عَلَيْكُمْ مِدْرَارًا وَيَزِدْكُمْ قُوَّةً إِلَى قُوَّتِكُمْ وَلَا تَتَوَكَّلُوا مُجْرِمِينَ» (وای قوم من! از پروردگارتان طلب آمرزش کنید سپس به سوی او بازگردید تا (باران) آسمان را پی‌درپی بر شما بفرستد و نیرویی بر نیرویتان بیفزاید و گنجه‌کارانی روی (از حق) برنتابید» (سوره هود، آیه ۵۲)

در آیه شریفه فوق جمله «يُرْسِلِ السَّمَاءَ عَلَيْكُمْ مِدْرَارًا» برای جمله «اسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ» در موقعیت جزا قرار می‌گیرد. بنابراین آیه این گونه معنا می‌شود «أَنْ تَسْتَغْفِرُوهُ وَتَتُوبُوا إِلَيْهِ يُرْسِلُ السَّمَاءَ عَلَيْكُمْ مِدْرَارًا» یعنی اگر استغفار و توبه کنید او از آسمان برای شما باران‌های پیاپی و رحمت فراوان می‌فرستد. (طبایبی، ۱۴۱۷، ج ۱۰، ۲۹). مراد از «قوة» در جمله «و يَزِدْكُمْ قُوَّةً إِلَى قُوَّتِكُمْ» نیرو و قوه معنوی و جسمی است. یعنی خداوند هم قوای جسمی و بدنی شما را زیاد می‌کند و هم قوای روحی و معنوی شما را می‌افزاید. (همان)

بنابراین توبه و استغفار نیز همانند موارد پیشین باعث ازدیاد نعمات و مواهب مادی می‌شود. در واقع با توجه به اطلاق آیه نعمات و خیرات را می‌توان هم مادی و هم معنوی در نظر گرفت که اولی به‌عنوان عامل تأثیر مستقیم یعنی ازدیاد سرمایه فیزیکی و دومی را به‌عنوان عامل تأثیر غیرمستقیم رشد اقتصادی مطرح نمود.

## ۵-۵ استقامت در راه حق

«وَأَنْ لَّوِ اسْتَقَامُوا عَلَى الطَّرِيقَةِ لَأَسْقَيْنَهُمْ مَاءً غَدَقًا لِنَفْسِهِمْ فِيهِ وَمَنْ يُعْرِضْ عَنْ ذِكْرِ رَبِّهِ يَسْلُكْهُ عَذَابًا صَعَدًا» (و اگر آنها (جن) و انس) در راه ایمان استقامت ورزند با آب فراوان سیرابشان می‌کنیم. هدف این است که ما آنها را با این نعمت فراوان بیازماییم و هر کس از یاد پروردگارش روی گرداند، او را به عذاب شدید و فزاینده‌ای گرفتار می‌سازد.» (جن، ۱۶ و ۱۷)

مراد از «طریقه» در آیه شریفه عبارت است از طریقه اسلام و استقامت بر طریقه اسلام یعنی اینکه انسان تسلیم اوامر الهی باشد و بر تمام دستورات دینی ملتزم باشد به عبارت بهتر در تسلیم خدا بودن استقامت ورزد. (طبرسی، ۱۹۸۶ ج ۱۰: ۵۶۰). (ماء غدق) به معنای آب کثیر است و بعید نیست از سیاق آیه استفاده شود که جمله «لَأَسْقَيْنَهُمْ مَاءً غَدَقًا» به معنای توسعه در رزق باشد چون بعد از آیه جمله «لِنَفْسِهِمْ مَاءً غَدَقًا» به معنای توسعه در رزق باشد. چون بعد از آیه جمله «لِنَفْسِهِمْ فِيهِ» آمده است و خداوند غالباً با رزق وسیع بندگانش را آزمایش می‌کند. (طباطبایی، ۱۴۱۷ ج ۲۰، ۴:). البته با توجه به مطالب تفسیری فوق نظرات مفسرین بزرگ شیعه و سنی این آیه نیز همانند آیات قبلی نص در توسعه رزق است که از آن به توسعه و رشد اقتصادی تعبیر می‌کنیم. به این صورت که می‌توان ملازمت و ثبات بر احکام الهی را به‌عنوان عامل مستقیم رشد در نظر گرفت. علاوه بر این، خود این آیه به استقامت و ملازمت بر حق توصیه می‌کند که می‌توان آن را به‌عنوان عامل تربیت نیروی انسانی و عامل غیرمستقیم رشد اقتصادی در نظر گرفت. (صفدری، ۱۳۸۷، ۴۰).

## نتیجه‌گیری

شئونات و متغیرهای اقتصادی، از این منظر که به انسان مربوط می‌شود، همراه با فضایل و رذایل اخلاقی است و رنگ اخلاق به‌خود می‌گیرد. بر این اساس وی‌شک، بررسی کار و اقتصاد بدون تأثیر اخلاق راه به‌جایی نخواهد برد.

پدیده «تأثیر اخلاق بر کار»، چه از دیدگاه نظری و چه از دیدگاه کاربردی، ریشه در اندیشه انسان‌ها دارد. و آموزه‌های اخلاقی که اسلام در زمینه‌های گوناگون اقتصادی بیان فرموده است می‌تواند زمینه‌ساز رشد اقتصادی شود، چراکه قسمت عمده این آموزه‌های اخلاقی منحصر به فرد بوده و عمل در پرتو آموزه‌های اخلاقی موجب می‌شود نظام اقتصادی در کنار حرکت در مسیر رشد و شکوفایی اقتصادی به سمت حاکمیت عدالت و استقلال اقتصادی و نیز تعالی و کمال انسانی حرکت کند. همچنین براساس آنچه که در این نوشتار به آن پرداخته شد، نتیجه گرفته می‌شود که خداوند از طریق وحی سازگاری برای اداره زندگی انسان نشان داده است و با بررسی برخی آیات قرآن کریم و مراجعه به تفاسیر و روایات سعی گردید تا برخی از این تأثیرات غیرمستقیم بر رشد اقتصادی که به طور مستقل و همچنین از طریق تأثیر مستقیم موجب رشد اقتصادی می‌گردند، مطرح شوند از جمله این موارد می‌توان به ایمان و تقوا، شکرگزاری، استغفار و توبه، اقامه احکام و ... اشاره کرد

فهرست منابع

\*قرآن

\*نهج البلاغه، ترجمه محمد دشتی

- ۱- ابن منظور، لسان العرب، ج ۸، بیروت، دارصادر: داربیروت، ۱۳۷۵.
- ۲- ابن اثیر، اسد الغابۀ فی معرفۀ الصحابۀ، ج ۲، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- ۳- توسلی، غلامعباس، جامعہ شناسی کار و شغل، چاپ سوم، سمت، ۱۳۸۰.
- ۴- جوادی آملی، عبدالله، حکمت عبادات بخش چهارم حکمت نماز، چاپ دوم، ناشراسرا، ۱۳۸۷.
- ۵- حر عاملی، شیخ محمد حسن، وسایل الشیعہ، جلد ۱۲، انتشارات ال بیت، ۱۴۱۴ق.
- ۶- حکیمی، سید محمد، الحیاء، جلد ششم، چاپ، دلیل ما، ۱۳۹۲.
- ۷- دانا، حسین آزاد، فرهنگ اسلامی شهروندی، چاپ دوم، ناشر ابوالحسنی، ۱۳۷۱.
- ۸- دهخدا، علی اکبر، لغتنامه، چاپ دوم، موسسه چاپ و انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۷ ش.
- ۹- راغب اصفهانی، حسین بن محمد، المفردات فی غرایب القرآن، چاپ چهارم، موسسه تحقیقات و نشر معارف اهل بیت(ع)، ۱۳۸۷ ش.
- ۱۰- -----، مفردات الفاظ القرآن، دارالقلم، ۱۴۱۲.
- ۱۱- رجایی، محمد کاظم، معجم موضوعی آیات اقتصادی قرآن، چاپ ۱، موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)، ۱۳۸۲ ش.
- ۱۲- رحمانی، تیمور، مبانی و اصول علم اقتصاد، ناشر بوستان کتاب، ۱۳۹۴.
- ۱۳- سیوطی، جلال الدین ابن عبدالرحمن، الدرالمثور فی التفسیر بالماثور، ج ۴، کتابخانه ایه الله مرعشی، ۱۴۴ ق.
- ۱۴- شیخ صدوق، من لایحضر الفقیه، ج ۳، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۸۵.
- ۱۵- طباطبایی، محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۸، چاپ اول، بیروت، موسسه الاعلمی للمطبوعات، ۱۴۱۷ ق.
- ۱۶- طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ج ۳، چاپ اول، بیروت، دارالمعرفه، ۱۹۸۶ م.
- ۱۷- طریحی، فخرالدین، مجمع البحرین، ج ۳، چاپ چهارم، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۸۷ ش.
- ۱۸- طوسی، خواجه نصیرالدین، اخلاق ناصری، علیرضا حیدری، مجتبی مینوی طهرانی، چاپ پنجم، تهران: خوارزمی، ۱۳۷۴
- ۱۹- طوسی، ابوجعفر محمد بن حسن، تهذیب الأحکام، چاپ چهارم، دارالکتب الاسلامیه، ۱۴۰۷.
- ۲۰- -----، الامالی، ج ۳، چاپ اول، قم، دارالتقافه، ۱۴۱۴.
- ۲۱- عزیزاده، امیر خادم، تفسیر قرآن کریم با رویکرد اقتصادی، دفتر نشر معارف.
- ۲۲- عمید، حسن، فرهنگ عمید، چاپ ۳۸، امیر کبیر، ۱۳۹۰ ش.
- ۲۳- فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، ج ۲، چاپ دوم، قم: سازمان اوقاف و امور خیریه، انتشارات اسوه، ۱۳۸۳.

- ۲۴- فیض کاشانی، محجۀ البيضاء فی تهذیب الاحیاء، ج ۳، ناشر جامعه مدرسین، ۱۳۸۳ .
- ۲۵- فراملکی، فرامرز، اخلاق حرفه ای، چاپ ۱۲، نشر مجنون، ۱۳۸۸ .
- ۲۶- قرشی، علی اکبر، قاموس القرآن، جلد ۱، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۱ .
- ۲۷- قمی، شیخ عباس، سفینه البحار، ج ۱، نشر اسوه .
- ۲۸- کلینی، محمد بن یعقوب، اصول کافی، ج ۵، چاپ ۴، تهران: دارالکتب اسلامیه، ۱۴۰۷ ق .
- ۲۹- -----، الفروع من الکافی، ج ۵، انتشارات دارالحدیث.
- ۳۰- مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، ج ۹۰، چاپ بیروت .
- ۳۱- محمدی ری شهری، محمد، اخلاق مدیریت در اسلام، ناشر دارالحدیث، ۱۳۶۶ .
- ۳۲- -----، میزان الحکمه، ج ۴، ناشر دارالحدیث.
- ۳۳- مصباح یزدی، محمد تقی، دروس فلسفه اخلاق، چاپ دوم، موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)، ۱۳۹۳ .
- ش.
- ۳۴- مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، ج ۱، مرکز نشر کتاب تهران، ۱۳۸۰ .
- ۳۵- مطهری، مرتضی، فلسفه اخلاق، چاپ ۴۳، صدرا، ۱۳۹۲ .
- ۳۶- -----، مجموع آثار، ج ۲۶، صدرا، ۱۳۷۵ .
- ۳۷- -----، عدل الهی، صدرا، ۱۳۸۷ .
- ۳۸- معیدفر، سعید، بررسی میزان اخلاق کار و عوامل فردی و اجتماعی موثر بر آن، چاپ اول، نشر مؤسسه کار و تأمین اجتماعی، ۱۳۸۰ ش.
- ۳۹- معین، محمد، فرهنگ معین، ج ۳، چاپ ۲۷، مؤسسه انتشاراتی امیرکبیر، ۱۳۹۳ ش.
- ۴۰- مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، ناشر دارالکتب الاسلامیه، تهران، ۱۳۸۰ .
- ۴۱- میر معزی، سید حسن، نظام اقتصادی اسلام، ناشر سازمان فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۹۰ .
- ۴۲- میلانفر، بهروز، بهداشت روانی، ج ۴، ناشر قومس، تهران ۱۳۷۴ .
- ۴۳- نراقی، محمد مهدی، جامع السعادات، ج ۱، چاپ سوم، ناشر چاپ سنگی، ۱۳۱۲ ش .
- ۴۴- نوری، میرزا حسین، مستدرک الوسائل، ج ۲، مؤسسه ال بیت، ۱۳۶۰ .
- ۴۵- وانقی، قاسم، درسهای اخلاق مدیریت، ج ۱، شرکت چاپ و نشر بین الملل، ۱۳۸۸ ش .
- ۴۶- واسطی، علی بن ابی نزال لیشی، عیون الحکم والمواعظ، ج ۱، ناشر بنیاد بعثت.
- ۴۷- هادوی نیا، مهدی جهانیان، مشتری مداری، چاپ دوم، ناشر هدایت جهان نشر، ۱۳۹۰ .
- ۴۸- -----، مکتب ما و نظام اقتصادی اسلام، چاپ اول، ناشر بیت الحکمه.
- ۴۹- هندی، متقی، کنز العمال، جلد ۲، ناشر اسلام .